

کالابرگ از آبان می آید

با اجرای کالابرگ الکترونیک، دولت می‌کوشد یارانه‌ها را از مسیر نقدینگی سرگردان به سوی کالای واقعی و ضروری هدایت کند تا سفره مردم از هیاهوی تورم در امان بماند و عدالت در توزیع رنگ عمل بگیرد

هر تصمیم اقتصادی، پیش از آنکه بر عده‌ها نمودارها اثر بگذارد، بر سفره مردم می‌نشیند. هیچ سیاستی به اندازه کالابرگ اینچنین با زندگی روزمره گره نخورده است. طرحی که از آبان ماه قرار است به جریان بیفتد، یک تصمیم فنی تجربه‌ای و جمعی است که بناس‌ت به کمک سفره مردم بیاید و وعده‌ای برای رساندن امنیت معیشتی به خانه‌هاست. ■ ■ ■

از وقتی که نخستین خبر اجرای کالابرگ منتشر شد، ذهن‌ها دوباره به سال‌هایی برگشت که کوپن‌های کاغذی در دست‌ها می‌چرخید و صف‌های طولانی در جلوی فروشگاه‌ها شکل می‌گرفت، اما این بار ماجرا متفاوت است. هیچ بر گه‌ای در کار نیست و هیچ صفی کشیده نمی‌شود و برعکس همه چیز قرار است در گوشی‌های همراه و کارت‌های بانکی اتفاق بیفتد. دولت می‌خواهد یارانه‌ها را به شکل اعتبار کالایی در اختیار مردم بگذارد که فقط برای خرید کالاهای اساسی قابل استفاده است. سال‌ها پرداخت نقدی یارانه‌ها گرچه نیت‌خبر داشت، اما در عمل نتوانست تعادلی میان درآمد و هزینه مردم برقرار کند. پولی که برای جبران گرانی بود، خود به چرخه تورم پیوست و ارزشش پیش از رسیدن به دست مردم آب رفت. حالا دولت می‌خواهد با بستن یارانه به کالا راهی تازه بیازماید تا شاید بتواند از فرسایش سفره‌ها جلوگیری کند.

در این‌شوه، هر خ‌نوار اعتباری مشخص دارد که می‌تواند آن را در خرید کالاهای ضروری چون برنج، روغن، مرغ، لبنیات و نان خرج کند. ارزش اعتبار متناسب با دهک در آمدی تنظیم می‌شود و به گفته مسئولان، نیازی به دریافت کارت جداگانه نیست و کارت بانکی معمولی کفایت می‌کند. کافی است در هر فروشگاه متصل به سامانه خرید انجام تا تخفیف یارانه‌ای به صورت خودکار محاسبه شود. هدف آن است که شأن و کرامت مردم بدون صف، بدون کارت مخصوص و بدون نگاه سنگین فروشنده‌ای که بداند مشتری‌اش با کالابرگ آمده است، حفظ شود، اما آنچه مردم را به فکر فرو می‌برد، نتیجه واقعی آن است؛ مبنی بر اینکه آیا کالابرگ می‌تواند قدرت

خرید را بازگرداند؟ آیا می‌تواند تورم را مهار کند یا تنها شکلی تازه از همان یارانه قدیمی است؟ پاسخ ساده نیست، زیر اقتصاد بر بستر اعتماد عمومی حرکت می‌کند.

مردم ما طی سال‌های اخیر با تغییرات پیاپی در سیاست‌های اقتصادی روبه‌رو بوده‌اند؛ از پرداخت نقدی گرفته تا یارانه معیشتی و طرح‌های موقتی دیگر، طبیعی است که اکنون با شنیدن نام کالابرگ، نیمی از جامعه امیدوار و نیمی دیگر محتاط باشد. امید اینکه شاید این‌بار

نظم و عدالت بیشتری برقرار شود و احتیاط از آن‌رو که تجربه‌های گذشته گاه به جای آرامش سرسرد گمی به همراه آورده است.

اجرای موفق کالابرگ بیش از هر چیز به زیرساخت و هماهنگی نیاز دارد. اگر فروشگاه‌ی در روستایی دورافتاده نتواند به سامانه متصل شود، همان یک اخت‌لال کافی است تا حسن نابربری شکل بگیرد و اگر کالاهای انتخابی در دسترس نباشند یا تنوع نداشته باشند، اعتبار یارانه‌ای در



رسانه‌دشیری | جوان

حساب مردم بی‌مصرف می‌ماند و اگر اطلاع‌رسانی شفاف نباشد، شایعات جای واقعیت را می‌گیرند. تجربه نشان داده است که در اقتصاد، ناراحتیایی بیشتر از بی‌خبری زاده می‌شود.

در عین حال، باید پذیرفت که کالابرگ نه عصای معجزه است و نه چوب جادویی، چرا که نمی‌تواند یک‌تنه تورم را پایین بیاورد، تولید را ج‌ش دهد یا فقر را ریشه کن کند، اما می‌تواند بخشی از نظام حمایت اجتماعی را منطقی‌تر



کالابرگ اگر درست اجرا شود، می‌تواند از دل اقتصاد سرد، گرم‌ای عدالت را بیرون بکشد و دوباره میان مردم و دولت پلی از اعتماد بسازد. سیاست و معیشت است و اگر این پل محکم ساخته شود، بر تراز اقتصاد کلان اثر بگذارد.

در گفت‌وگوهای روزمره بسیاری از مردم می‌گویند که اگر کالابرگ واقعا قدرت خریدشان را حفظ کند، از آن استقبال می‌کنند. کالابرگ در ذات خود پلی میان سیاست و معیشت است و اگر این پل محکم ساخته شود، می‌تواند مسیر تازه‌ای برای رابطه دولت و مردم بگشاید. فناوری امروز این امکان را داده است که خطاهای گذشته تکرار نشود. هر تراکشی قابل ردیابی است، هر اعتبار قابل نظارت و هر خرید در لحظه ثبت می‌شود. به بیان دیگر، دولت می‌تواند بدون دخالت مستقیم در بازار، نقش داور عادل را بازی کند، اما عدالت فقط در توزیع نیست در کیفیت نیز است. کالابرگ باید برای خرید کالای سالم و استاندارد ارزش داشته باشد. اگر کیفیت کالا پایین بیاید یا عرضه‌کننده‌ها از فروش کالای یارانه‌ای سرباز زنند، طرح بی‌اثر می‌شود. مردم باهوش‌تر از آنند که به اجبار مصرف کنند. احترام به سلیقه و انتخاب آنان شرط ماندگاری هر

سیاست اقتصادی است. با وجود همه تردیدها نمی‌توان انکار کرد که اجرای کالابرگ در شرایط کنونی ضرورتی جدی است. تورم غذایی در ماه‌های اخیر بار سنگینی بر دوش خانواده‌ها گذاشته است. بسیاری از اقشار، حتی با داشتن چند شغل از پس هزینه خوراک و اجاره بر نمی‌آیند. در چنین وضعی هر سیاستی که بتواند دست‌کم امنیت غذایی را حفظ کند، ارزش آزمودن دارد. کالابرگ اگر بتواند

رقابت پذیری تولید با صور تحساب الکترونیک تقویت می‌شود

علیرضا کلاهی، رئیس کمیسیون صنایع، معادن و کشاورزی و فاطمه قنبرپور، نایب رئیس کمیسیون گمرک و لجستیک اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «جوان» استقرار نظام مالیاتی هوشمند و داده‌محور و به کارگیری صور تحساب الکترونیک را وا‌کوی کردند



برای بنگاه‌های اقتصادی است. در واقع، دولت به فعالان اقتصادی این فرصت را می‌دهد که ابتدا جریان نقدی معامله را به پایان برسانند و سپس سهم مالیاتی خود را بپردازند. بنابر این صور تحساب الکترونیک، منجر به حل مشکلات مؤدیان قانون‌مدار شده و جلوی فاکتورسازی شرکت‌های صوری را خواهد گرفت و با ایجاد امکان دادن مالیات بر ارزش افزوده معاملات نسبه و نقدینگی پس از تسویه کامل معامله مذکور، زمینه حمایت از تولید و نقدینگی بخش مولد را فراهم خواهد کرد و در این زمینه منجر به بهبود محیط کسب و کار و تقویت رقابت‌پذیری در اقتصاد خواهد شد. نظام مالیاتی هوشمند در واقع زیرساخت حکمرانی داده‌محور در اقتصاد است. اطلاعات حاصل از صور تحساب‌های الکترونیک و زنجیره ارزش افزوده، منبعی غنی برای تصمیم‌گیری اقتصادی محسوب می‌شود. این داده‌ها به دولت امکان می‌دهد تا الگوهای مصرف، شبکه‌های توزیع، تمرکز بنگاه‌ها و حتی روندهای قیمتی را در زمان واقعی رصد کند. ■ **مقایله با فاکتورهای جعلی و فرار مالیاتی از مسیر اعتبارسنجی شرکت‌ها**

علیرضا کلاهی، رئیس کمیسیون صنایع، معادن و کشاورزی اتاق بازرگانی ایران با اشاره به این موضوع که ایجاد امکان پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پس از تسویه نهایی یک اقدام بسیار مناسب و کمک‌کننده است، تصریح کرد؛ ایجاد این امکان که مالیات‌دهندگان بتوانند پس از تسویه نهایی به پرداخت مالیات مبادرت کنند، موضوع بسیار مهمی است. طی سال‌های طولانی این مشکل برای مالیات‌دهندگان وجود داشت که به محض انعقاد معامله باید مالیات بر ارزش افزوده را پرداخت می‌کردند. رئیس کمیسیون صنایع، معادن و کشاورزی اتاق ایران خاطر نشان کرد: اعتبارسنجی شرکت‌ها به منظور مقابله با فاکتورسازی نیز اقدام مناسبی است. یکی از مشکلات حوزه اقتصادی کشور همین

صور تحساب الکترونیک، منجر به حل مشکلات مؤدیان قانون‌مدار شده و جلوی فاکتورسازی شرکت‌های صوری را خواهد گرفت و با ایجاد امکان دادن مالیات بر ارزش افزوده معاملات نسبه و اعتباری پس از تسویه کامل معامله مذکور، زمینه حمایت از نقدینگی بخش مولد را فراهم خواهد کرد و در این زمینه منجر به بهبود محیط کسب و کار و تقویت رقابت‌پذیری در اقتصاد خواهد شد. ■ ■ ■

همواره نحوه مالیات‌ستانی موضوعی مهم و حساس برای دولت‌ها بوده‌است. در گذشته توجهی به روش‌های دریافت مالیات در کشور نداشتیم و این امر ذیل چارچوب‌های قدیمی و ممیزمحور انجام می‌شد. مأموران مالیاتی به بررسی پرونده‌ها و اظهارنامه‌های مالیاتی می‌پرداختند و اغلب در یک مواجهه رو در رو به تعیین مبلغ مالیات مؤدی مبادرت می‌کردند. عدم هوشمندسازی نظام مالیاتی، منجر به بروز خطاهای انسانی و گاه سوءاستفاده بود.

طی سال‌های اخیر، هوشمندسازی روند دریافت مالیات در کشور مدنظر قرار گرفت. صدور صور تحساب الکترونیک به جای فاکتورهای کاغذی نیز در همین راستاست، به نحوی که همه‌چیز در چارچوب سامانه و سیستم انجام می‌شود و مواجهه مؤدی و مأمور مالیاتی از بین می‌رود.

هسته اصلی نظام مالیاتی هوشمند در بخش مالیات بر ارزش افزوده، صور تحساب الکترونیک است. این ابزار نه تنها جایگزین فاکتورهای کاغذی می‌شود، بلکه به نوعی زیرساخت فاکتور الکترونیک هر تراکنش اقتصادی نیز ایجاد خواهد شد و هر فاکتور به صورت برخط در سامانه مؤدیان سازمان امور مالیاتی ثبت و اطلاعات آن میان فروشنده، خریدار و دولت به اشتراک گذاشته می‌شود.

یکی از موضوعات اساسی در اصلاح نظام مالیات بر ارزش افزوده، نحوه پرداخت مالیات در معاملات نسبه و اعتباری است. در ساختار سنتی، مؤدی موظف بود مالیات بر ارزش افزوده را در لحظه صدور فاکتور و قبل از دریافت وجه معامله بپردازد؛ این در حالی است که در بسیاری از معاملات، به‌ویژه در بخش تولید و توزیع، پرداخت وجه به صورت نسبه انجام می‌شود و ممکن است ماه بعد تسویه شود. این الزام موجب فشار مضاعف بر بنگاه‌ها و تضعیف سرمایه در گردش آنها می‌شد. تولیدکننده‌ای که هنوز پول کالا را از خریدار دریافت نکرده‌ای، مجبور بود مالیات آن را به دولت بپردازد و همین موضوع به کمبود نقدینگی و افزایش هزینه‌های مالی در واحدهای اقتصادی منجر می‌شد.

در شرایطی که بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط با مشکل سرمایه در گردش مواجه‌اند، این وضعیت گاهی به تعطیلی یا کاهش ظرفیت تولید منجر می‌شد. در این زمینه، حرکت جدید سازمان امور مالیاتی برای پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پس از تسویه نهایی معاملات نسبه و اعتباری، تحولی بنیادین در حمایت از تولید به شمار می‌ود. این تصمیم نه تنها مانع قفل شدن نقدینگی بنگاه‌های می‌شود، بلکه انگیزه فعالیت رسمی و ثبت معاملات واقعی را نیز افزایش می‌دهد. همچنین امکان پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پس از تسویه نهایی معامله به‌معنای یک تنفس مالیاتی هدفمند

مدت‌هاست که درباره «رسوب ارز در حساب‌های خارجی» سخن گفته می‌شود؛ موضوعی که در ظاهر، صرفاً یک مسئله فنی و مالی به نظر می‌رسد، اما در واقع آینه‌ای از رفتار، انتظار و ذهنیت جمعی ما به نام «ارز» است. وقتی می‌گوییم ارز «رسوب کرده»، منظورمان این است که بخشی از درآمدهای ارزی کشور – معمولاً حاصل از صادرات – در حساب‌هایی در خارج از کشور باقی‌مانده و به چرخه رسمی اقتصاد بازنگشته است. این یعنی ارزی که باید تبدیل به سرمایه، مواد اولیه یا واردات شود، به هر دلیل در دسترس قرار نگرفته و از جریان اقتصادی کشور جدا مانده است، اما مسئله اصلی این نیست که چه مقدار ارز بازنگشته، بلکه این است که چرا باز نمی‌گردد. یکی از ریشه‌های مهم آن پدیده‌ای است که در اقتصاد از آن با عنوان «انتظارات ارزی» یاد می‌شود. به زبان ساده‌تر، فعالان اقتصادی براساس نشانه‌ها و سیاست‌ها در ذهن خود آینده‌ای از نرخ ارز می‌سازند؛ آینده‌ای که اگر صعودی باشد، انگیزه بازگرداندن ارز را کاهش می‌دهد.

مثلاً صادرکننده‌ای در خارج از کشور ارز حاصل از صادرات خود را دریافت کرده است. اگر احساس کند نرخ رسمی ارز در ماه‌های آینده افزایش می‌یابد، طبیعی است که تمایل دارد بازگشت ارز را به تعویق بیندازد تا در زمان بالاتر رفتن نرخ سود بیشتری نصیبش شود. این رفتار اگرچه از نظر اقتصادی قابل درک است، در مقیاس کلان، به «قفل شدن» بخشی از منابع ارزی کشور منجر می‌شود. چنین انتظاراتی از کجا شکل می‌گیرد؟ بخشی از آن به سیاست‌های ارزی خود ما بازمی‌گردد. وجود چند نرخ برای ارز، ایجاد بازارهای مختلف مانند بازار توافقی یا تالار دوم و ارسال پیام‌های متناقض از سوی سیاست‌گذاران همه باعث می‌شود تا بازرگان اقتصادی احساس کنند که نرخ ارز رسمی دیر با زود تغییر خواهد کرد. در نتیجه از رانگه می‌دارند تا شاید فردا سود بیشتری نصیبشان شود.

این رفتار البته تنها به صادرکننده محدود نیست. در فضای اقتصادی ما همه‌چیز به انتظارات گره خورده است، به طوری که مردم در خرید و فروش ارز، واردکنندگان در زمان‌بندی سفارش‌ها و حتی سرمایه‌گذاران در تصمیم‌های روزمره خود همگی در حال واکنش نشان دادن به تصویری از آینده‌اند؛ وقتی این تصور آکنده از بی‌ثباتی و انتظار افزایش نرخ باشد، طبیعی است که ارز در حساب‌ها رسوب کند و جریان طبیعی بازگشت آن مختل شود.

برای حل این وضعیت، تنها راه حل‌های نظارتی یا تهدیدهای قانونی کافی نیست. ارز را نمی‌توان با دستور از حساب‌های خارجی بیرون کشید، همانطور که اعتماد و اطمینان را هم نمی‌توان با بخشنامه ساخت. مسئله اصلی، برقراری «اعتماد به ثبات» است. اگر صادرکننده، واردکننده و سرمایه‌گذار باور کنند که سیاست ارزی کشور بر پایه ثبات و پیش‌بینی‌پذیری بنا شده است، خودبه‌خود انگیزه نگهداشتن ارز کاهش می‌یابد.

واقعیت این است اقتصاد بیش از آنکه از تصمیمات سختگیرانه پترسدد، از بی‌ثباتی می‌گریزد. فعال اقتصادی در فضایی که آینده‌اش مبهم است، طبیعی است که تصمیمش را به تأخیر بیندازد. پس اگر بخواهیم ارز‌ها از حساب‌های ترانستی یا خارجی بازگردند، باید کاری کنیم که انتظار افزایش نرخ ارز، دیگر یک پیش‌فرض همگانی نباشد.

این کار فقط با «اعلام ثبات» انجام نمی‌شود، بلکه با رفتار منسجم و سیاستگذاری قابل اعتماد شکل می‌گیرد. وقتی نرخ‌های متعدد در بازار وجود دارد، وقتی گاهی وعده تثبیت داده می‌شود و گاهی سیاست آزادسازی و وقتی سازوکارهای خرید و فروش ارز مدام تغییر می‌کند، فعالان اقتصادی یاد می‌گیرند که صبر کنند؛ صبر برای آن‌ها یک راهبرد محافظه‌کارانه است، اما برای کشور تبدیل به رکود منابع می‌شود.

در نهایت، مسئله رسوب ارز، فقط یک موضوع مالی نیست، بلکه نشانه‌ای از شکاف میان سیاست‌گذار و فعال اقتصادی است تا زمانی که این دو نگاه به هم نزدیک نشوند، نه با اجبار و نه با توصیه، ارز‌ها به‌موقع باز نمی‌گردند. ما باید در سیاست ارزی‌مان به نقطه‌ای برسیم که نگه داشتن ارز دیگر «صرفه» نداشته باشد.

با گذشت از به کشور، در اصل بازگشت اعتماد است و این اعتماد زمانی ساخته می‌شود که سیاست‌ها یک‌دست، پیام‌ها روشن و آینده تاحد ممکن قابل پیش‌بینی باشد. تا آن روز هرچقدر هم از رسوب سخن بگوییم، آب همچنان در همان حوضی راکد خواهد ماند.